بسم الله الرحمن الرحیم

جلسه نهم: صبر (قسمت سوم)

برخی اقسام صبر

۵ـ صبر بر حقّ: پذیرش حرف حق سخت است زیرا ممکن است به ضرر ما باشد. امام باقر 7 فرمود: «چون وفات پدرم فرا رسید، مرا به سینهٔ خود چسبانید و فرمود: پسر جان، تو را به چیزی سفارش می‌کنم که پدرم هنگام وفاتش به من سفارش کرد و گفت پدرش او را به آن وصیت فرموده است: ای پسر جان بر حق صبر کن اگر چه تلخ باشد».[1] عمرسعد زیر بار حق نرفت اما حرّ صبر بر حق کرد و اعلام نمود من اشتباه کردم و نجات پیدا کرد.

۶ـ صبر بر اذیت و آزار: «**وَ لَنَصْبِرَنَّ عَلى ما آذَيْتُمُونا** ـ ما به‌طور مسلّم در برابر آزارهای شما صبر خواهیم کرد». (ابراهیم/۱۲) مشرکین یاسر و سمیه و خود عمار را دستگیر و شکنجه‌های سخت می‌کردند. پیامبر اکرم 6 وقتی رد می‌شد و کاری نمی‌توانست بکند می‌فرمود: «**صبراً یا آل یاسر**» آن‌ها صبر کردند و یاسر و سمیه زیر شکنجه به مقام والای شهید رسیدند.

۷ـ صبر در جنگ: در قرآن می‌فرماید: «**وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْساءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا** ـ کسانی هستند که در برابر محرومیت‌ها و بیماری‌ها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می‌دهند؛ این‌ها راست می‌گویند».(بقره/۱۷۷) «**إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفاً** ـ هر گاه بیست نفر با استقامت از شما باشند، بر دویست نفر غلبه می‌کنند؛ و اگر صد نفر باشند، بر هزار نفر». (انفال/۶۵) در بدر این‌طور شد، صبوری کردند مقابل هزار نفر ایستادند. اما در حنین غرور گرفت‌شان با این‌که تعدادشان بیشتر بود چون شتاب کردند شکست خوردند. «**يَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئاً** ـ روز حنین؛ فزونی جمعیّت‌تان شما را مغرور ساخت، ولی (این فزونی) هیچ به دردتان نخورد». (توبه/۲۵)

۸ـ صبر در امر به معروف و نهی از منکر: می‌خواهیم بچه‌ای را که نماز نمی‌خواند، نمازخوانش کنیم، چندین بار بگو، یک مدتی رها کن و دوباره بگو. قرآن می‌فرماید: «**وَ أْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْها** ـ خانوادهٔ خود را به نماز فرمان ده؛ و بر انجام آن شکیبا باش» (طه/۱۳۲) پیامبر 9 را این همه آزار جسمی و ر.حی دادند ولی دعوت را رها نفرمود.

۹ـ صبر در کسب علم: دانشمند شدن زحمت دارد. آیت‌الله ستوده، به طلبه‌ها می‌فرمود درس خواندن مثل چاه کندن با سوزن است، چه‌قدر سخت است؟ موسی 7 به خضر 7 گفت: «**هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلى أَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْداً** ـ آیا از تو پیروی کنم تا از آن‌چه به تو تعلیم داده شده و مایه رشد و صلاح است، به من بیاموزی؟» (کهف/۶۶) اولین مطلبی که خضر به او گفت این بود که باید صبور باشی! ولی موسی اعتراض سوم را که بیان کرد خضر گفت: نتوانستی صبر کنی پس برو. «**مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا**».(کهف/۸۲)

۱ـ اِصْبِرْ عَلَى الْحَقِّ وَ إِنْ كَانَ مُرّاً ـ الكافی (ط - الإسلامية) ج۲ ص۹۱

۱۰ـ صبر در حوادث: «وَ اصْبِرْ عَلی ما أَصابَكَ» (لقمان/۱۷) أَصابَكَ یعنی آنی که به تو می‌رسد حوادثی که برای شما پیش می‌آید، در این موارد ـ مثل این ویروس ـ صبر کن.

۱۱ـ صبر در اجابت دعا: گاهی خدا صلاح می‌داند برآورده شدن دعایی تاخیر بیفتد. خدا به حضرت موسی 7 و هارون 7 فرمود دعای شما اجابت شد، ولی چهل سال دیگر طول کشید تا محقق گردد. در قرآن می‌فرماید: «عَسی أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَ عَسی أَنْ تُحِبُّوا شَيْئاً وَ هُوَ شَرٌّ لَكُمْ ـ چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن‌که خیرِ شما در آن است. و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آن‌که شرِّ شما در آن است». (بقره/۲۱۶)

نابینایی آمد نزد پیامبر 6 حضرت دعا کرد شفا گرفت، دومی آمد حضرت گفت من دعا می‌کنم ولی اگر بر این نابینایی صبر کنی یک اجر ویژه‌ای در بهشت داری. گفت نه یا رسول‌الله نمی‌خواهم. گاهی ممکن است به واسطهٔ یک کم صبری یک اجر و جایگاهی را از دست بدهیم.

۱۲ـ صبر در فرمان خدا: خدا به پیامبر 9 فرمان می‌دهد «وَ اصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ» (طور/۴۸) در مقابل حکم خدا صبور باش. بعد می‌فرماید: مثل یونس 7 نباش. «وَ لا تَكُنْ كَصاحِبِ الْحُوتِ» حضرت یونس 7 سی سال تبلیغ کرد ولی فقط دو نفر ایمان آوردند، یک عابد و یک عالم. خسته شد، عجله کرد آن عالم به او گفت: «صبر کن حضرت نوح 7 نهصد و پنجاه سال تبلیغ کرد تو سی سال تبلیغ کردی» گفت: «نه دیگر فایده ندارد و نفرین کرد و رفت». چون عجله کرد خدا او را در شکم ماهی قرار داد. «وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغاضِباً فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنادی فِي الظُّلُماتِ أَنْ لا إِلهَ إِلاَّ أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ـ و ذا النون [یونس] را (به یاد آور) در آن هنگام که خشمگین (از میان قوم خود) رفت؛ و چنین می‌پنداشت که ما بر او تنگ نخواهیم گرفت؛ (امّا موقعی که در کام نهنگ فرو رفت،) در آن ظلمت‌ها (ی متراکم) صدا زد: (خداوندا!) جز تو معبودی نیست! منزّهی تو! من از ستمکاران بودم!» (انبیاء/۸۷).[1]

۱۳ـ صبر در انتظار فرج: در روایت داریم «انتظار الفرج بالصبر»[2] قرن‌هاست منتظر امام زمانیم. باشد قرن‌هایی دیگر هم بیاد هم منتظر می‌مانیم. خود صبر بر انتظار فرج عبادت است.

۱ـ قوم نوح آن‌قدر او را زدند که بیهوش شد و وقتی به هوش آمد گفت: «اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُون» خداوندا قوم مرا هدایت کن چون آن‌ها نادانند، ولی وقتی خدای سبحان به او وحی کرد که از قوم تو غیر از همین عده اندکی که ایمان آورده‌اند کس دیگری ایمان نخواهد آورد، او قصد نفرین کردن قوم خود نمود. (النور المبین فی قصص الأنبیاء و المرسلین؛ للجزائری، ص ۷۱) ـ در جنگ احد وقتی چهره پیامبر خون آلود بود، به آن حضرت گفته شد اینان را نفرین نمی‌کنی، حضرت فرمود: «اللَّهُمَّ اهْدِ قَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُون» (إعلام الوری بأعلام الهدی (ط – القدیمة)، النص، ص: ۸۳)

۲ـ مأمون از امام رضا 7 درخواست کرد که به‌طور خلاصه اسلام خالص را برای او بنویسد؛ از جمله مطالبی که امام نوشت این بود که: مسلمان باید برای انتظار فرج صبر داشته باشد. عیون أخبار الرضا 7 ؛ ج۲ ص۲۲